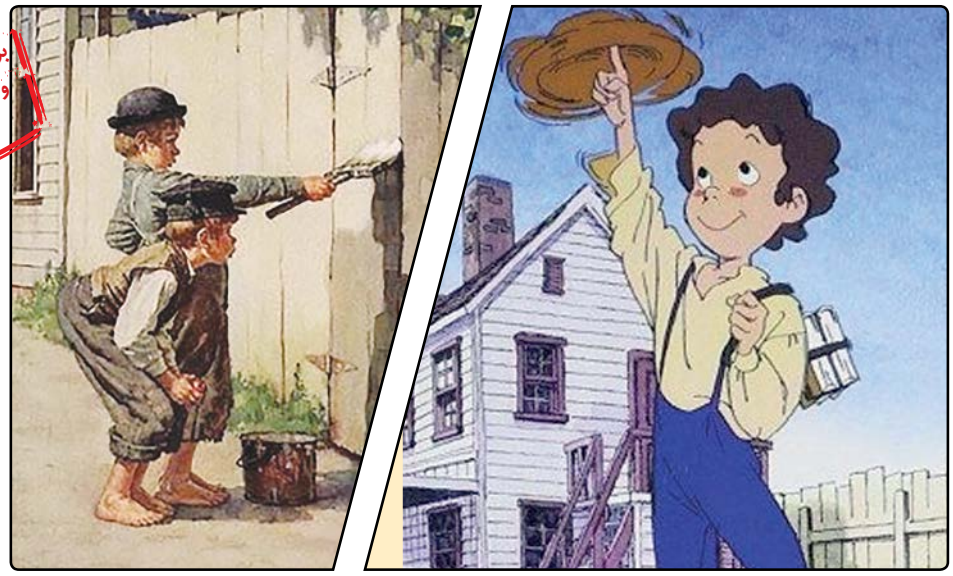
ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۰ • شماره ۱۴۵



برای خواندن تام سایر ۸ساعت و برای خواندن هاکلبری فین ۱۲ساعت کافی است.

پرسه‌زدن در می‌سی‌سی‌پی

چطور می‌توانیم با شخصیت‌هایی از ۱۴۵سال پیش اوقات خوشی را بگذرانیم؟



برنا خانم
از کلاس نهم!

چند وقت پیش یکی از بچه‌هایمان چند عکس سرکلاس نگارش آورد و راجع به نویسنده کتاب «شاهزاده و گدا» صحبت کرد و توضیح داد که عکس‌ها از موزه «مارک تواین» است. معلم‌مان هم هر چند کلمه یک‌بار آه می‌کشید و می‌گفت: «کاش ما هم یه روز می‌رفتیم و این موزه رو می‌دیدیم.» من هم دستم را گذاشته بودم زیر چانه‌ام و نمی‌فهمیدم معلم‌مان چرا این‌قدر از نویسنده شاهزاده و گدا خوشش می‌آید؛ من حتی کتابش را هم نخوانده‌ام چون داستانش این‌قدر تکراری است که به نظرم خواندن ندارد. آن چند تا عکس باعث شد تکلیف جلسه بعدمان خواندن یکی از کتاب‌های آن نویسنده باشد. حقیقتش خیلی حالم گرفته شد چون این هفته داشتم یک کتاب هیجانی خیلی خفن می‌خواندم و حالا باید به خاطر یک اثرِ قدیمی دوست نداشتنی، رهایش می‌کردم ولی چون تکلیف بود مجبور شدم بنشینم و کتاب «تام سایر» از آقای نویسنده شاهزاده و گدا را بخوانم.

اولش همه‌چیز به‌زور پیش می‌رفت و من هر دو صفحه یکبار از جایم بلند می‌شدم و گوشی‌ام را چک می‌کردم و کمی با سنا حرف می‌زدم و به زور دو صفحه دیگر می‌خواندم اما کمی که گذشت دیگر متوجه نشدم چطور از صفحه ۸۰ به صفحه ۱۲۰ و از صفحه ۱۲۰ به صفحه ۲۰۰ رسیدم و دقیقا نفهمیدم که چه شد از تام سایر خوشم آمد و کنار او در قبرستان با او نفسم گرفت و به دیوانه‌بازی‌هایش با هاکلبری فین خندیدم. تام سایر حداقل ۱۴۵ سال پیش خلق شده و باورم نمی‌شد که در سال ۲۰۲۱ نشسته‌ام و در جلد پسری فرو رفته‌ام که قریب به دو قرن پیش زندگی می‌کرده است. (حالا این را در نظر نمی‌گیریم که کلا شخصیتی واقعی نیست)

حقیقتش را بخواهید احساس می‌کنم روند کلی این ستون چنین چیزی شده است: «برنا از کتابی خوشش نمی‌آید اما به‌زور می‌خواندش و بعد خیلی خوشش می‌آید و برای ما معرفی می‌کند!» ولی باور کنید که هربار همین اتفاق می‌افتد! این‌قدر ناباورانه که این بار خودم هم باورم نمی‌شد بعد از خواندن تام سایر سراغ کتاب هاکلبری فین رفتم و باورم نمی‌شود که نشسته‌ام وسط خانه و با قسمت‌های پایانی داستان هاکلبری فین بلندبلند می‌خندم، باورم نمی‌شد که شوخی‌های ۱۴۵ سال قبل باعث خندیدنم شود. بعد هم رفتم و توی اینترنت و عکس‌های موزه «مارک تواین» را سرچ کردم و می‌خواهم فردا سرکلاس نگارش بگویم که یک‌جا برای من هم در اردوی بازدید از موزه مارک تواین بگذارند.

معلم نگارش‌مان می‌گوید بعضی از شخصیت‌ها جوری ساخته شده‌اند که آدم باور نمی‌کند که هیچ‌وقت روی کره‌زمین زندگی نمی‌کرده‌اند. مثلا آدم هیچ‌وقت باور نمی‌کند که آن‌شرلی یا جودی‌ابوت وجود نداشتند. در مورد تام‌سایر و هاکلبری فین هم دقیقا همین است. بعد از تمام‌شدن کتاب نمی‌توانستم باور کنم این دو پسر بانمک هیچ‌وقت روی کره‌زمین نبوده‌اند. البته توی اینترنت خواندم که این دو شخصیت شبیه مارک تواین هستند و انگار او شخصیت خود را در یک قالب جادویی ریخته که تا ابد جاودانه شود.



نویسنده:
مارک تواین
مترجم:
محسن سلیمانی
ناشر:
انتشارات افق
۵۳۶ صفحه
۶۰۰۰۰تومان

تام سایر و هاکلبری فین از آن کتاب‌هایی بود که اسمش را زیاد شنیده بودم. مثل خیلی کتاب‌های دیگر، مثل «بینوایان»، «آرزوهای بزرگ»، «دیوید کاپرفیلد» و... که فکر می‌کردم کهنه‌اند و فقط آدم‌های قدیمی خوششان می‌آید اما بعد از آشنایی با هاکلبری فین فهمیدم بعضی چیزهای هیچ‌وقت قدیمی نمی‌شود. هر چند سال هم که بگذرد بچه‌ها می‌توانند با هاکلبری فین سوار قایق شوند و مسیر رودخانه می‌سی‌سی‌پی را طی کنند و از تأکیدم مشخص است که هاک را حتی از تام هم بیشتر دوست داشتم.



نویسنده:
مارک تواین
مترجم:
محسن سلیمانی
ناشر:
انتشارات افق
۳۶۰ صفحه
۳۵۰۰۰ تومان

و در پایان ستون این هفته از همکلاسی‌ام تشکر می‌کنم که با عکس‌های موزه مارک تواین سرکلاس آمد و از معلم نگارش‌مان که مرا به زور با تام و هاک آشتی داد و از خود آقای مارک تواین که خیلی سال پیش موجبات شادی امروز ما را فراهم کرده بود.

وی‌نگاری

کلمه دو حرفی سخت: نه!

نغمه رحیمی‌پور
قفسه کتاب

تا حالا شده کسی با اصرار شما را مجبور کند برخلاف میل‌تان دست به یک کار غلط و نادرست بزنید؟ مثلا از شما بخواهد که به جایش در امتحان مجازی شرکت کنید چون خودش فرصت نکرده درس بخواند یا سفارش خواهرزاده‌اش را به برادرتان که مدیرعامل یک شرکت دولتی است و هفته بعد امتحان استخدامی دارند، بکنید یا اصرار کند که در مجلس عروسی پسرش که با فرهنگ و اعتقادات شما همخوانی ندارد، شرکت کنید؟

در چنین مواقعی چه می‌کنید؟ آیا می‌توانید بر سر جواب منفی‌تان بایستید و تسلیم اصرارهایش نشوید؟ حتی اگر مظلوم‌نمایی کند و اشک بریزد یا داد و فریاد راه بیندازد یا حتی شما را تهدید به قطع رابطه کند؟ چرا ما گاهی اوقات تسلیم این اصرارها می‌شویم؟ بعد از این که تسلیم شدیم، نگاه و احساس‌مان نسبت به خودمان چیست؟ آیا خودمان را یک انسان قوی و با اعتماد به‌نفس می‌دانیم یا یک انسان ضعیف که کوله‌باری از عذاب وجدان دارد؟



کتاب «به کبوتر اجازه نده اتوبوس براند»، سعی دارد این مهارت را از همان پنج‌شش سالگی به کودکان بیاموزد. در ابتدای کتاب، آقای راننده، اتوبوسش را به خواننده کتاب امانت می‌دهد و تاکید می‌کند که به کبوتر اجازه ندهد اتوبوس را براند. بلافاصله، کبوتر ظاهر می‌شود و به انواع روش‌ها سعی می‌کند خواننده را راضی کند و اتوبوس را بگیرد؛ التماس، رشوه، داد و فریاد، فریب دادن، تهدید، تحقیر و... و در تمام این حالات، کودکی که مخاطب کتاب است باید با صدای بلند بگوید: «نه!» ماهیت تعاملی کتاب و طنز موجود در رفتار و گفتار کبوتر، این کتاب را بسیار جذاب کرده است.

مو ویلمز، نویسنده و تصویرگر این کتاب است. تصویرگری‌های او و به‌خصوص شخصیت کبوتر، در عین سادگی، بسیار نوآورانه و مناسب سن خردسال هستند. کبوتر ویلمز آن‌قدر معروف و محبوب است که اگر دو کلمه «کبوتر» و «کاردستی» را به زبان انگلیسی جست‌وجو کنید، با انواع کاردستی‌های کودکانه از کبوتر این کتاب روبه‌رو می‌شوید و می‌توانید بعد از خواندن کتاب، آن فعالیت‌ها را با بچه‌ها انجام بدهید. در حین انجام کاردستی‌ها، می‌توانید با کودک، در مورد رفتار کبوتر و دلیل مخالفت با خواسته او گفت‌وگو کنید و در ادامه به این سؤال پاسخ بدهید که چه موقعیت‌های مشابهی وجود دارد که باید همین‌طور قاطعانه نه بگویید؟

ویلمز کتاب‌های دیگری هم با شخصیت این کبوتر نوشته است ولی هیچ‌کدام از آنها اهمیت و محبوبیت این یکی را پیدا نکرده‌اند. شاید اگر من به جای ویلمز بودم، کتاب دیگری با شخصیت کبوتر می‌نوشتم تا در آن کتاب، خواننده، کبوتر بیچاره را با فداکاری و گذشتن از خواسته‌های شخصی‌اش، خوشحال کند تا کودک بداند که علت مخالفت با خواسته کبوتر، در جلد اول، اهمیت امانتداری بود نه صرفا لجبازی و جایی که می‌توانیم به خاطر دیگران پا روی خواسته‌های خودمان بگذاریم، خوب است به جای «نه» گفتن، بگوییم «بله».